

## نسخه‌های خطی

ازین نسخه نیز در تصحیح کتاب حاضر استفاده شده .

۶ - نسخه سوّم کتابخانه مجلس شورای ملی که سابقاً متعلق با آقای سیّد محمد صادق طباطبائی بوده ، شامل : منطق ، الهیات و طبیعیّات ، بخط نستعلیق نوشته شده و مغلوط است و تاریخ تحریر ندارد . دارای ۱۵۵ صفحه ، هر صفحه ۲۵ سطر . طول ۲۳ ، عرض ۱۳/۵ سانتیمتر (جلد : طول ۲۳/۸ ، عرض ۱۴/۶) . شماره ۱۳۲۲ (قفسه طباطبائی) ضبط شده و نمره ثبت دفتر ندارد . در تصحیح این کتاب ازین نسخه هم استفاده کرده ایم<sup>۱</sup> .

۷ - نسخه دوّم کتابخانه حاج حسین آقا ملک ، شامل : منطق ، الهیات و طبیعیّات ، با خط نستعلیق شکسته نوشته شده . تاریخ تحریر ندارد . دارای ۶۰ ورق ، هر صفحه ۲۳ سطر . طول ۱۹/۶ ، عرض ۱۲/۸ سانتیمتر . دارای سر لوح مذّهب ، تریج مذّهب مرگب از هشت دایره در محیط و کثیرالاضلاع هفت ضلعی با اضلاع منحنی گل و بوته دار در وسط . شماره این نسخه در کتابخانه ملک ۱۲۰۶ میباشد .

از مزایای این نسخه هم آنست که (مانند نسخه شماره ۴) بتصحیح و مقابله مرحوم میرزا عبدالله ریاضی رسیده و آن مرحوم نسخه بدلهارادر حاشیه یادداشت کرده و گاهی نیز توضیحی بزبان عربی بر مطالب متن نوشته است ، و در پایان نسخه تاریخ فراغت خود را از «مطالعه و تصحیح و مقابله» جمعه غرّه شهر ربیع الثانی سال ۱۲۹۵ هجری (قمری) یاد کرده است . در تصحیح کتاب حاضر ازین نسخه نیز بهره برده ایم .

۸ - نسخه اوّل کتابخانه آستان قدس رضوی که محمّد قاضی بسال

---

۱ - از آقای شریفی معاون کتابخانه مجلس که وسیله تسهیل کار نگارنده را فراهم کرده اند سپاسگزار است .

## مقدمه دانشنامه علایی (علم برین)

۱۲۹۳ وقف کرده، شامل: منطق، الهی و طبیعی است، بخط نسخ، تعداد اوراق ۱۱۵، هر صفحه ۱۴ سطر. طول ۱ گره و ۹ بهر، عرض ۱ گره و ۱ بهر. در فهرست کتب کتابخانه آستان قدس ج ۱ (سال ۱۳۰۵ قسمت اول ص ۳۴) بشماره ۹۸ ثبت شده است.

ازین نسخه آقای احمد خراسانی در طبع دانشنامه استفاده کرده‌اند و مادر مقابله کتاب حاضر نسخه‌بدهای لازم را، از نسخه چاپ ایشان نقل کرده‌ایم. ۹- نسخه دوم کتابخانه آستان قدس رضوی، وقفی حاج عماد فهرستی، شامل: منطق، الهی و طبیعی خط نستعلیق و شکسته دارای ۱۰۵ ورق، هر صفحه ۱۵ سطر، طول ۲۲، عرض ۱۵ سانتیمتر. بشماره (عمومی) ۵۱۰، و شماره (خصوصی) ۵۵۷ (فهرست کتابخانه آستان قدس، مجلد چهارم) ثبت شده است. تاریخ وقف تیرماه ۱۳۱۰ شمسی است. نسخه قدیمی نیست و گمان نمی‌رود پیش از ۱۲۵۰ قمری نوشته شده باشد<sup>۱</sup>.

این نسخه را هم آقای خراسانی در تصحیح دانشنامه مورد استفاده قرار داده‌اند، و در طبع کتاب حاضر از حواشی نسخه ایشان استفاده شده است. ۱۰- نسخه متعلق با آقای سعید نفیسی استاد دانشگاه تهران. (رجوع بمقدمه دانشنامه بخش طبیعی مصحح آقای مشکوة ص ۹ شود)<sup>۲</sup>.

۱۱- نسخه مرحوم میرزا یدالله نظر پاك استاد دانشكده معقول و منقول (رجوع بمقدمه دانشنامه، بخش طبیعی مصحح آقای مشکوة ص ۹ شود)<sup>۳</sup>

۱- از نامه مورخ ۱۴ مهر ماه ۱۳۳۱ آقای او کتائی رئیس محترم اداره کتابخانه آستان قدس. ۲- در طبع کتاب حاضر باین نسخه هم متأسفانه دسترس نیافتیم. (آقای نفیسی کتاب را قبلاً بامانت داده بودند). ۳- این نسخه نیز در دسترس نگارنده نبود.

## نسخه‌های خطی

## ب - نسخه‌های کتابخانه‌های کشورهای دیگر

## ۱ - انگلستان

۱۲ - نسخه متعلق بموزه بریتانیا (لندن) بشماره Or . 19/830 ، شماره اوراق ۲۸۳ ، طول ۹ و عرض  $4\frac{3}{4}$  اینچ . در هر صفحه ۱۱ - ۱۵ سطر . این نسخه شامل : منطق، الهی، طبیعی، هیأت، ارثماطیقی و موسیقی است و توسط دو کاتب نوشته شده و ظاهراً در قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی کتابت شده است<sup>۱</sup> .

۱۳ - نسخه دیگر متعلق بموزه بریتانیا بشماره Or . 2361 . این نسخه تحت شماره 823 (موسیقی) : VII آمده و آن از مجموعه ایست حاوی رسایلی در موسیقی شامل ۲۶۹ ورق که بین سالهای ۱۰۷۳ و ۱۰۷۵ هجری قمری در شاه جهان آباد (دهلی) کتابت شده . از جمله رسایل مزبور ، بخش موسیقی دانشنامه علائی است که پس از مرگ ابن سینا عبدالواحد جوزجانی تدوین کرده است و آن از ورق 157 a تا 164 b را شامل است . عنوان آن (موسیقی حکمت علائی) است و متن آن مطابق با متن نسخه مذکور در شماره قبل (از ورق ۲۷۳ - ۲۸۳) میباشد<sup>۲</sup> .

۱۴ - نسخه دیگر متعلق بموزه بریتانیا بشماره Add. 16659 . این نسخه حاوی قریب چهل رساله عربی و فارسی است که غالباً از آثار شیخ-

۱ - رك : فهرست نسخه‌های فارسی موزه بریتانیا ج ۲ ص ۴۳۲ .

۲ - cf . Charles Rieu , Supplement to the Catalogue of the Arabic Manuscripts in the British Museum . London , 1894 , p . 559 .

## مقدمه دانشنامهٔ علایی (علم برین)

الرئیس ابن سیناست و در جلد دوم فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه بریتانیا صفحهٔ ۴۳۸ ستون دوم سطر ۲۵ بیعد باجمال از آن یاد شده<sup>۱</sup> (چه مؤلف فهرست در صفحهٔ ۴۳۳ همان مجلد قبلاً دربارهٔ دانش نامهٔ نسخهٔ شمارهٔ Or 16/830 ازین کتاب بحث کرده بوده است). با اینکه در فهرست نسخه‌های فارسی موزهٔ مزبور (ج ۲ ص ۴۳۸) شمارهٔ فرعی که برای نسخهٔ مورد بحث داده شده نمرهٔ (۳) است، لیکن در آن مجموعه، دانشنامه یازدهمین رساله از محتویات آن میباشد و مؤلف فهرست نسخه‌های عربی آنرا دو قسمت کرده است: قسمت اول که بقلم شیخ است (منطق، علم برین و علم زیرین) در ذیل شمارهٔ ۱۱ و قسمت دوم که تدوین جوزجانی است (هندسه، هیأت، ارثماتیقی و موسیقی) در ذیل شمارهٔ ۱۲. شمارهٔ ترتیب این مجموعه در فهرست نسخه‌های عربی ۹۷۸ است. درین مجموعه دانشنامه بترتیب ذیل جای دارد: منطق از ورق ۲۵۸، علم برین ۲۷۱، طبیعیات ۲۹۵، هندسه ۳۱۰، رصدهای کلی ۳۲۰، ارثماتیقی ۳۳۲، موسیقی ۳۳۸ تا ۳۴۱)<sup>۲</sup>.

۱۵ - نسخهٔ دیوان هندوستان<sup>۳</sup> (لندن) بشمارهٔ ۲۲۱۸. و آن نسخهٔ ناقصی است شامل سه بخش اول دانشنامهٔ ابن سینا (منطق، الهی، طبیعی)، که درینجا بعنوان کلی «اصول و نکات علوم خمسہ حکمیہ» یاد شده

۱ - Charles Rieu, Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum. vol. II, 1881, p. 438.

۲ - نقل از نامهٔ مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۵۲ آقای دکتر مهدوی.

۳ - India Office.

## نسخه های خطی

است . بخش اول ( علم منطق ) مؤرخ بسال ۱۰۶۴ هجری (قمری) است . شماره ( مخصوص ) ۴۷۸ ، تعداد اوراق ۱۶۸ ، ۱۴ سطر ، خط نسخ ، طول  $۸\frac{۱}{۴}$  ، عرض  $۴\frac{۷}{۸}$  اینچ<sup>۱</sup> .

## ۲ - آلمان

۱۶ - نسخه کتابخانه بران بشماره 55 : 1 . این نسخه دارای ۲۱۴ ورق ، طول ۲۴ ، عرض ۱۵ سانتیمتر . هر صفحه ۱۷ سطر . بخط نستعلیق . نسخه خوب و تقریباً جدید است . در اصل این نسخه دارای ۲۵۱ ورق بوده که از آن میان ورق ۱۰۵ و ۱۱۳ - ۱۴۹ ساقط است . و آخرین اوراق ساقطه از نسخه مزبور محتملاً رساله موسیقی دانشنامه بوده است .

دانشنامه درین نسخه از صفحه ۱ تا ۱۷۴ را اشغال کرده و از ۱۷۵ آن بیعد رساله ایست تألیف «علی» حکیم صوفی در طب روحانی و جسمانی بفارسی . در پایان الهیات دانشنامه آمده : «تمت الکتاب الهیات ( کذا ) حکمت علایی ابوعلی سینا » و در آخر بخش طبیعی نوشته شده : «تمت الکتاب - العلابی»<sup>۲</sup> .

## ۳ - هندوستان

۱۷-۱۸-۱۹ - نسخه های کتابخانه آصفیه بشماره های 278'57 (شامل حصه دوم) و 308 . تاریخ کتابت آنها سال ۱۳۰۹ هجری قمریست<sup>۳</sup> .

۱ - Hermann Ethé, Catalogue of Persian Manuscripts in the Library of the India Office. vol. 1. Oxford . 1903, col . 1209 .

۲ - Wilhelm Pertsch, Die Handschriften - Verzeichnisse der Königlichen Bibliothek zu Berlin . vierter Band. verzeichniss der Persischen Handschriften . Berlin 1888, s . 114-115 .

۳ - فهرست کتب خانه آصفیه ج ۲ مطبع اختر دکن ( حیدرآباد ) ۱۳۲۳ قمری ص ۱۲۲۰-۱۲۲۱ .

## مقدمه دانشنامهٔ علائی (علم برین)

۲۰-۲۱ - نسخه‌های کتابخانهٔ بنگال، شماره ۱/۱۳۵۷ (شامل منطق، الهی، طبیعی) تاریخ تحریر ۱۱۱۳ هجری قمری. خط نستعلیق. قطع ۲۵۵×۱۵۰، ۱۹۵×۹۵، هر صفحه ۱۷ سطر<sup>۱</sup>... و شماره ۲/۵۶۵ (فقط شامل هندسه) تاریخ کتابت ۲۷ ربیع الاول ۱۲۲۸ قمری؛ اوراق ۲۰؛ قطع ۸×۵؛ ۳×۶ اینچ، هر صفحه ۱۵ سطر، در میان جدول مضاعف. خط نستعلیق<sup>۲</sup>.

۲۲ - نسخهٔ کتابخانهٔ بهار، شماره ۲۱۵ (شامل منطق، الهی، طبیعی که از آخر طبیعی صفحاتی ساقطست). تاریخ کتابت ندارد ولی در قرن ۱۷ میلادی استنساخ شده<sup>۳</sup>.

## ۴ - ترکیه

۲۳ - نسخهٔ کتابخانهٔ فاتح، شماره ۳۳۱۲ (شامل منطق، طبیعی، الهی) که در ۹۰۱ قمری کتابت شده<sup>۳</sup>.

۲۴ - نسخهٔ کتابخانهٔ نورعثمانیه، شماره ۲۶۸۲ (شامل منطق، طبیعی، الهی) در ۱۰۶۷ قمری کتابت شده<sup>۳</sup>.

## ۱۱ - نسخ چاپی دانشنامه

۱ - در سال ۱۳۰۹ هجری قمری بخش منطق و الهیات و طبیعیات دانشنامه در مطبعهٔ فیروز حیدرآباد چاپ شده، و بسیار مغلوپ است. در تصحیح کتاب حاضر ازین نسخه استفاده شده است.

۲ - بار دیگر بخش منطق و الهیات دانشنامه بتصحیح و تحشیه و مقدمهٔ فاضل محترم آقای احمد خراسانی در ۱۳۱۵ شمسی در تهران ب سرمایهٔ شرکت

---

۱- رك: فهرست نسخه‌های خطی فارسی. (انجمن آسایبی بنگال) تألیف W. Ivanov، کلکته ۱۹۲۴ ص ۶۵. ۲- رك: ایضاً، کلکته ۱۹۲۶، ص ۳۹۴.

۳ - یادداشت آقای دکتر مهدوی.

دانشنامهٔ علائی. علم برین. دیباچه ۴

نسخه‌های چاپی - مآخذ تصحیح و تحشیه

مطبوعات چاپ و منتشر شده است .

در تصحیح کتاب حاضر این نسخه نیز مورد استفاده بسیار بوده است .

۳ - در این ایام که مقارن هزارمین سال تولد ابن سیناست ، انجمن آثار ملی و دانشمندان جناب آقای علی اصغر حکمت رئیس هیأت مدیره انجمن و استاد دانشگاه که مدت سه سالست بتهیه مقدمات جشن هزاره تولد ابن سینا مشغولند ، و درین مدت آرامگاه باشکوهی برای وی در همدان بنا کرده اند ، بر آن شدند که بزرگترین تصنیف پارسی خواجه رئیس - یعنی دانشنامه را - با طبع انتقادی منتشر سازند ، از اینرو مقابله و تصحیح بخشهای دانشنامه را بدین ترتیب مقرر داشتند :

۱ و ۲ - منطق و طبیعیات - توسط آقای سید محمد مشکوة استاد دانشکده معقول و منقول و دانشکده حقوق .  
۳ - ریاضی و هیأت و موسیقی - توسط آقای مجتبی مینوی استاد دانشکده ادبیات .

۴ - الهی - توسط نگارنده .

۴ - مآخذ تصحیح و تحشیه رساله حاضر و نشانه‌های

اختصاری آنها

اقرب الموارد فی فصح العربیة و الشوارد . سعید الخوری الشرتونی  
اللبنانی . بیروت . مطبعة مرسلی الیسوعیة ۱۸۸۹ میلادی ( ۲ مجلد )  
( = اقرب الموارد ) .

۱ - بترتیب حروف تهجی نام کتاب . نشانه‌های اختصاری بین دو هلال ( . . ) باعلامت مساوی (=) ثبت میشود . کتابهایی که درین فهرست یاد نشده مشخصات آنها در حواشی مسطور است .

که

## مقدمه دانشنامهٔ علائی (علم برین)

بحر الجواهر . محمد بن یوسف طیب هروی ، تهران ۱۲۸۸ قمری .  
 برهان قاطع . محمد حسین بن خلف تبریزی . کلکته ۱۸۱۸ میلادی ؛  
 و نیز دورهٔ برهان بتصحیح و تحشیه نگارنده و سرمایه کتابفروشی زوّار ،  
 مجلد اول تهران ۱۳۳۰ و مجلد دوم ۱۳۳۱ .

تاریخ سیستان . (؟) مصحح مرحوم ملک الشعراء بهار . سرمایه  
 کتابفروشی خاور ۱۳۱۴ .

تحفة المؤمنین . محمد مؤمن حسینی . باهتمام ملا علی و سید حسین  
 اصفهانی . ۱۲۷۴ قمری (= تحفه حکیم مؤمن) .

تذکرهٔ اولی الالباب . داود ضریر انطاکی . مطبعهٔ محمد مصطفی .  
 ۱۳۰۲ قمری .

ترجمهٔ اشارات ابن سینا ( قسمت طبیعیات و الهیات ) (؟) بدستور  
 وزارت فرهنگ و با مقدمهٔ حسن مشکان طبسی . تهران . چاپخانهٔ مجلس  
 . ۱۳۱۶ .

تعریفات . سید شریف جرجانی . استانبول مطبعهٔ احمد کامل ۱۳۲۷  
 قمری .

تفسیر الالفاظ الدخیلة فی اللغة العربیة مع ذکر اصلها بحروفه . طوییا  
 العنسی الحلبی البستانی . چاپ دوم باهتمام توما البستانی . مصر ۱۹۳۲  
 میلادی (= تفسیر الالفاظ الدخیله) .

چهارمقاله . نظامی عروضی سمرقندی . مصحح محمدقزوینی . لیدن .  
 بریل ۱۳۲۷ قمری - و نیز طبع مصحح نگارنده سرمایه کتابفروشی زوّار  
 تهران ۱۳۳۱ .

۱ - تاریخهای بدون قید معرف سالهای هجری شمسی است .



## مآخذ تصحیح و تحشیه

- حکمت اشراق و فرهنگ ایران . بقلم نگارنده . چاپخانه دانش  
 ۱۳۲۹ ( از انتشارات مجله آموزش و پرورش سال بیست و چهارم ) .  
 دانشنامهٔ علائی . ابن سینا . (منطق والهیات) مصحح احمد خراسانی .  
 تهران ۱۳۱۵ (= چخ) .  
 درة التاج لغرة الدباج . قطب‌الدین محمد شیرازی ، مصحح سید محمد  
 مشکوة . تهران چاپخانهٔ مجلس . بخش اول ۱۳۱۷ - ۱۳۲۰ ؛ بخش دوم  
 ۱۳۲۴ (= درة التاج) .  
 سماع طبیعی و آسمان و جهان و کون و فساد از کتاب شفا تصنیف  
 ابن سینا ، ترجمهٔ محمد علی فروغی . تهران . چاپخانهٔ بانک ملی ایران  
 ۱۳۱۹ (= سماع طبیعی) .  
 شرح اشارات ( ابن سینا ) . محمد بن محمد الطوسی . چاپ تهران  
 ۱۳۰۵ قمری .  
 شفا . ابن سینا . چاپ تهران مطبعة میرزا عباس ۱۳۰۳ قمری .  
 قانون . ابن سینا . چاپ تهران ۱۲۹۵ - ۹۶ قمری .  
 کشف اصطلاحات الفنون . شیخ محمد علی بن علی التهانوی . ۱۷  
 جزو ، بکوشش اسپرنگر درمطبعة لیس (کلکته) بسال ۱۸۴۸-۱۸۶۲ م .  
 چاپ شده ، و جلد اول آن هم در آستانه ( استانبول ) درمطبعة اقدام بسال  
 ۱۳۱۷ قمری بطبع رسیده است .  
 گلستان . سعدی شیرازی . مصحح عبدالعظیم قریب . تهران ۱۳۱۰ .  
 لغت نامه . علی اکبر دهخدا . ۱۶ مجلد ( که تا کنون بطبع رسیده  
 و بقیه آن تحت طبع است ) . تهران چاپخانهٔ مجلس ۱۳۲۵ - ۱۳۳۱ .

مقدمه دانشنامهٔ علایی ( علم برین )

- منتهی الارب فی لغة العرب . عبدالرحیم بن عبدالسلام صفی پوری . تهران .  
 ۲ مجلد ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ قمری . مطبعهٔ کربلائی محمدحسین طهرانی .  
 منظومهٔ سبزواری . چاپ ناصری . تهران ۱۳۶۷ قمری .  
 مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی . بقلم نگارنده . تهران .  
 چاپخانهٔ دانشگاه ۱۳۲۶ ( انتشارات دانشگاه تهران شمارهٔ ۹ ) .  
 نجات . ابن سینا . مصر . مطبعهٔ السعادة ۱۳۳۱ قمری .  
 نفایس الفنون فی عرایس العیون . محمد بن محمود آملی . باهتمام میرزا  
 احمد . تهران ۱۳۰۹ قمری (= نفایس الفنون) .

### ⊙ = فهرست اختصارات

- تم = نسخهٔ خطی دانشنامه متعلق بکتابخانهٔ مجلس شورای ملی که  
 سابقاً بمرحوم میرزا طاهر تنکابنی تعلق داشته (رجوع بصفحهٔ یح : ۵ شود) .  
 ج = جلد ، مجلد .  
 چخ = دانشنامه چاپ آقای خراسانی (رجوع بصفحهٔ کد : ۲ ، و صفحهٔ  
 کو : دانشنامهٔ علایی شود) .  
 چه = دانشنامه چاپ هند (رجوع بصفحهٔ کد : ۱ شود) .  
 ح = حاشیه  
 خ = خراسانی (احمد) . رجوع بصفحهٔ کد : ۲ ، و صفحهٔ کو : دانشنامهٔ  
 علایی شود) .  
 رک = رجوع کنید .  
 س = نسخهٔ خطی دانشنامه متعلق بکتابخانهٔ آستانهٔ قدس رضوی

۱ - بترتیب حروف تهجی .

کح

مآخذ تصحیح و تشبیه

(رجوع بصفحه یط : ۸ شود).

ص = صفحه .

طم = نسخه خطی دانشنامه متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملی که سابقاً با آقای سید محمد صادق طباطبائی تعلق داشته (رجوع بصفحه یط: ۶ شود).

عس = نسخه خطی دانشنامه کتابخانه آستانه رضوی که سابقاً بمرحوم عماد فهرستی متعلق بوده (رجوع بصفحه نک : ۹ شود).

ق = نسخه خطی متعلق با آقای عباس اقبال آشتیانی (رجوع بصفحه یو : ۱ شود).

قس = قیاس کنید .

مهیج = نسخه خطی دانشنامه متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملی (رجوع بصفحه یز : ۲ شود).

مک ۱ = نسخه خطی دانشنامه متعلق بکتابخانه حاج حسین آقا ملک (نسخه اول) (رجوع بصفحه یز : ۳ شود).

مک ۲ = نسخه خطی دانشنامه متعلق بکتابخانه حاج حسین آقا ملک (نسخه دوم) (رجوع بصفحه یط : ۷ شود).

مل = نسخه خطی دانشنامه متعلق بکتابخانه ملی (رجوع بصفحه یح : ۴ شود).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>۱</sup> وَصَلَّوْا<sup>۲</sup> عَلَيْهِ<sup>۳</sup> وَآلِهِ<sup>۴</sup> وَسَلَّمَ  
 وَآلِهِ أَجْمَعِينَ  
 آغاز علم برین<sup>۲</sup>

- نخستین فصل (۲) اندر (۳) چندی (۴) علمهای حکمت  
 هر علمی را چیزی هست که اندر آن علم از حال وی آگاهی جویند،  
 و چیزها دو گونه است:  
 یکی آنست که هستی وی بفعل ماست، و یکی آنست که هستی وی  
 نه بفعل ماست.
- ۱۰ مثال نخستین کردارهای ما و مثال دوم (۵) زمین و آسمان و حیوان  
 و نبات. پس علمهای حکمت دو گونه بودند:  
 گونه‌ای آن بود که از حال کنش<sup>۴</sup> ما آگاهی دهد و این را علم

(۱) س، چه؛ و صلوة؛ طم، عس؛ و الصلوة؛ مج، مك، ۱؛ + و سلامه. (۲) مل؛  
 فصلی. (۳) مج؛ + حدیث. (۴) مج، س، چه؛ چندینی. (۵) مج؛ دوم،  
 طم، دویم.

۱ - سورة ۱ (فاتحة الكتاب) آیه ۱. ۲ - علم برین = علم اعلی = علم الهی؛  
 « جمله پنجم از درة التاج لغرة الدجاج در علم اعلی که علم الهی است » (درة التاج  
 بخش ۱ ج ۵ ص ۱). ۳ - از؛ چند+ی (مصدری)؛ کمیت، مقدار. ۴ - فعل،  
 رفتار؛ معجز پیغمبر مکی تویی بکنش و بمنش و بگوشت. محمد بن مخلد (۴)  
 سگری (تاریخ سیستان ص ۲۱۲).

دانشنامهٔ هلائی - بخش دوم - علم الهی

عملی خوانند، زیرا که فایدهٔ وی آنست که بدانیم که (۱) ما را چه باید کردن تا کار این جهانی<sup>۱</sup> ما ساخته باشد و کار آن جهانی<sup>۱</sup> امیدوار بود.

و دیگر آن بود که از حال هستی چیزها ما را آگاهی دهد تا جان ما صورت خویش بیابد و نیکبخت (۲) آن جهانی<sup>۱</sup> بود چنانکه بجای خویش پیدا (۳) کرده آید و این را علم (۴) نظری خوانند، و هر علمی از این دو علم سه گونه بود:

اما علم عملی سه گونه است:

یکی **علم تدبیر عام مردم**، تا آن (۵) انبازی که ایشان را بدو نیاز است بر نظام بود، و این دو گونه است:

یکی علم چگونگی شرایع، و دوم چگونگی سیاسات، و نخستین اصل است و دوم (۶) شاخ<sup>۲</sup> و خلیفه<sup>۳</sup> (۷).

و اما علم دیگر **علم تدبیر خانه** است تا آن انبازی که اندر يك خانه افتد زن و شوی را (۸) و پدر و فرزندان را و خداوند ورهی را (۹) بر نظام بود.

(۱) مل: بر (سر). (۲) مچ، مک، ۱، تم: نیکبختی. (۳) مک ۲: درست.

(۴) س، طم، چه: و این علم را. (۵) مچ، مک ۲، س، تم، طم: این.

(۶) مچ: دژم، طم: دویم. (۷) مچ: خلیفه؛ مک ۲: خلیف؛ عس: و خلیفه.

(۸) طم، عس، چه: شوهر را؛ مل: شوهری را. (۹) مل: پدر فرزندی را و خداوند را.

۱ - ترکیب «این جهانی» بمنزلهٔ صفت آید بجای دنیوی، برابر «آن جهانی» بجای اخروی:

از آن چندان نعیم این جهانی

ثنای رود کی ماندست و مدحت

شریف مجلدی گرگانی (چهار مقالهٔ عروضی ص ۲۷). ۲ = شاخه، فرع.

۳ - جانشین، قائم مقام، نایب، بدل.

## اقسام علم علمی و علم نظری

وسوم (۱) علم خود است که مردم بنفس خویش چگونه باید که بود. پس چون حال مردم یا بتنهایی (۲) خویش بود (۳) یا بانبازی<sup>۱</sup>، و انبازی یابهم خانگان بود یابهم شهریان (۴)، لاجرم علم عملی سه گونه بود: یکی علم تدبیر شهر، دیگر علم تدبیر خانه، و سوم (۱) علم تدبیر خود.

اما علم نظری سه گونه است:

یکی را علم برین<sup>۲</sup> خوانند، و علم پیشین<sup>۳</sup>، و علم آنچه سپس طبیعت<sup>۴</sup> است خوانند، و یکی را علم میانگین<sup>۵</sup> (و علم فرهنگ و ریاضت خوانند، و علم تعلیمی خوانند، و یکی را علم طبیعی و علم زیرین<sup>۶</sup> خوانند. و سه‌ای این علمها از قبل آنست که چیزها از سه قسم (۶) بیرون نه‌اند (۷):

یا هستی ایشان هیچگونه باین مایه محسوسات و بآمیزش<sup>۷</sup> و جنبش<sup>۸</sup> (۸)

(۱) مج: سوم؛ تم: سیوم. (۲) طم: باتنه‌ای. (۳) طم: - بود. (۴) عس: بهم شهران؛ س، چه: بهم شهر؛ مج، تم: بهم شهریان باشد؛ طم: بهم شهر باشد. (۵) مج، مک، س، چه: میانگی. (۶) مج، مک، ۲: - قسم. (۷) مج، مک، ۲، طم: نیند. (۸) مج، مک، ۲، س، طم، چه: گردش.

۱- شرکت. ۲- رك: ص ۱ ح ۲. ۳- علم پیشین = علم اولی. ۴- مراد علم مابعدالطبیعه است. رك: درة التاج بخش ۱ ج ۱ ص ۷۳. ۵- علم میانگین، علم اوسط؛ رك: درة التاج بخش ۱ ج ۱ ص ۷۳. ۶- علم زیرین = علم اسفل = علم طبیعی. رك: درة التاج بخش ۱ ج ۱ ص ۷۳؛ و رك: دانشنامه (طبیعی) ص ۱. ۷- مزج، امتزاج، ترکیب؛

مر آمیزش گوهران را بگوی سبب چه که چندین صور زو بخاست. ناصر خسرو. (لفت نامه دهخدا).

۸- حرکت؛ «باز هوا برتر از این دو گوهر ایستاده است که جوهری است نرم و شکل پذیر بهمه شکلی که اندر او آید... تا هرچه بجنبند اندرین جوهر نرم از نباتی و حیوان از جنبش باز نه‌اند.» (زادالمسافرین. ناصر خسرو. ص ۱۲۰).

## دانشنامهٔ علائی - بخش دوم - علم الهی

اندر بسته نبود تا مر ایشانرا تصوّر شاید کردن بی پیوندِ مایه و جنبش، چنانکه عقل و هستی و وحدت و علتی و معلولی و هر چه بدین مآند که شاید که این حالها را تصوّر کنی اندر جز (۱) از محسوسات، چنانکه شاید که ایشان خود جز از محسوسات بوَند.

یا هستی ایشان هر چند که جدا نبود (۲) از مایهٔ محسوسات و از چیزها که اندر جنبش بوَند (۲) و هم ایشانرا تواند جدا کردن زیرا که بعداً ایشان حاجت نیاید که ایشان را پیوستگی بوَد بمایه‌ای از مایه‌های محسوس (۳) بعینه و بجنبش داران (۴)، چنانکه مثلثی و مربعی و گردی و درازی که شاید که اندر زر بوَد و اندر سیم و اندر چوب و اندر گل، نه چنان (۵) چون مردمی که نشاید که جز اندر یکی مایه بوَد. پس از این قبیل را (۶) نشاید حدّ کردن مردمی را و هر چه بمردمی مآند اندر این معنی الا بمادّتی معین، و بوهم نیز از مادّت جدا (۷) نایستد، و اما مثلث و مربع هر چند که موجود نبود الا اندر مادّتی، توان (۸) اورا حدّ کردن بی مادّت، و اندر وهم گرفتن بی مادّت (۹).

و یا چیزهایی (۱۰) بوَند که هستی ایشان اندر مادّت بود و حدّ کردن (۱۱) و توهم کردن ایشان بمادّت و بحال جنبش (۱۲) بوَد چنانکه مثل زدیم.

- (۱) مج، مک، ۲، غیر. (۲) طم، بود. (۳) مج، مک، ۱، مک، ۲، تم، محسوسات.  
 (۴) عس، و جنبش داران، طم، و بجنبش داران. (۵) مج، مک، ۱، +، بود.  
 (۶) مک، ۲، -، را. (۷) مج، تم، طم، -، جدا. (۸) تم، بتوان. (۹) تم، حد کردن و دریافتن بی مادّت. (۱۰) طم، چیزها. (۱۱) طم، گرفتن.  
 (۱۲) تم، خود.

## موضوعات علوم نظری

پس آن علم که حال چیزها داند که ایشان نیازمند نه‌اند هر آینه  
 بمادّات و حرکت، باشد که از ایشان چیزی بود که هرگز نشاید که با  
 مادّات (۱) پیوند دارد چون: عقل (۲) و حقّ، چنانکه سیستمر بدانی، و باشد  
 که چیزها بودند که شاید که (۳) ایشان را آمیزش افتد با مایه و حرکت،  
 ولیکن (۴) از طبع ایشان آن واجب نبود چون علّتی که شاید که اندر  
 جسمی بود و شاید که وصف عقلی بود، آن (۵) علم علم برین است.  
 و آنکه حال چیزها داند که ایشانرا اندر هستی چاره نباشد (۶) از  
 پیوند مایه (۷) ولیکن (۴) ایشانرا مایه خاصّ معین نبود چنانکه شکلها  
 و چنانکه شمار از جهت آن حالهایی که اندر علم انگارش دانند، آن  
 علم ریاضی است.

۱۰

و سوّم (۸) علم طبیعی است و اندراین کتاب سخن ما و نگرش (۹)  
 ما اندراین سه گونه علم نظری است.

(۲) پیدا کردن موضوعات این سه علم نظری تا موضوع

این علم برین پدید (۱۰) آید

از این سه علم نزدیکتر بمردم و باندریافت (۱۱) مردم، علم طبیعی است، ۱۰

- (۱) طم : که با مادّات هرگز نشاید . (۲) طم ، چخ : عقول . (۳) طم : - که .  
 (۴) مج ، مک ، ۱ ، چخ : ولیکن . (۵) مل : و آن . (۶) طم : نبود . (۷) طم :  
 مادّات . (۸) مج : سوّم : تم : سوّم . (۹) مک ۲ ، طم : نگرستن . (۱۰) مک ۱ ،  
 مک ۲ ، مل : بدید . (۱۱) مل : و اندر یافت .

- ۱ - پنداشتن - علوم ریاضی را مطلقا علوم وهمیه و فرضیه و انگارش گویند . (خ)  
 ۲ - ملاحظه ، دقت . رك : تاریخ سیستان ص : ك ، ص ۲۰۹ و ۲۶۴ . ۳ - ادراك .



## دانشنامهٔ علائی - بخش دوم - علم الهی

ولیکن (۱) تشویش اندروی (۲) بیشتر است و موضوع این علم جسم محسوس است از آن جهت که اندر جنبش افتد و اندر گردش<sup>۱</sup>، و ورا (۳) پاره‌ها و کنارها بسیار است، و دیگرم<sup>۲</sup> (۴) علم ریاضی است و اندر وی تشویش و اختلاف کم افتد، زیرا که از جنبش و گردش دور است و موضوع وی چون بجمله‌گیری «چندی» است و چون بتفصیل‌گیری «اندازه و شمار» است، و علم هندسه و علم حساب و علم هیأت عالم و علم موسیقی و علم مناظر<sup>۳</sup> (۵) و علم انتقال<sup>۴</sup> (۶) و علم اُکر متحرک<sup>۵</sup> و علم حیل<sup>۶</sup> و هر چه بدین مآند از اوست. و اما علم برین، موضوع وی نه چیز است جزئی بلکه هستی مطلق است از آن جهت که وی مطلق است، و محمولات مسائل وی آن حالها است که هستی را از قبل خود است و ورا ذاتی است، چنانکه اندر آموزش

(۱) رك : ح (۴) صفحه قبل . (۲) مل : - . وی . (۳) مج ، مك ، ۱ : و او را . (۴) چنین است در ق و مل ، و در دیگر نسخ : دیگر . (۵) مج ، مك ، ۲ ، تم : مناظره . (۶) طم : انتقال .

۱ - تغییر ، استحاله ، انقلاب (خ) . ۲ - از : دیگر + ام (مزید مؤخر عدد ترتیبی همچون دوم ، سوم ... ) (از افادات علامه دهخدا) . ۳ - جمع منظر ، جای نظر ، چشم . (غیاب اللغات) ؛ علم مناظر ، دانشی است که بدان کیفیت مقدار اشیاء بسبب نزدیکی و دوری آنها از نظر بیننده شناخته شود . (اقرب العوارد) . علم مناظر ، عبارتست از علمی که از احوال حاسهٔ بصر از جهت کیفیت شعور او بمحسوسات او ، معلوم کنند . (نفایس - الفنون ج ۲ ص ۱۷۰) . ۴ - جمع ثقل (بفتح اول و دوم) و جمع ثقل (بکسر اول) بار - های گران ، گرانیها ، بارها ، اسباب ، امتعه (لغت نامهٔ دهخدا) ؛ علم انتقال ، علم جر انتقال . (دره التاج بخش ۱ ج ۱ ص ۷۴) . ۵ - اکر ( بضم اول و فتح دوم ) جمع کره ، علم اکر بردو قسم است : اکر متحرک و اکر ساکن (خ) ورك : دره التاج بخش ۱ ج ۱ ص ۵۷ . ۶ - جمع حیله بالكسر ، حذاقت وجودت نظر و قدرت بر تصرف (منتهی الارب) ؛ علم حیل عبارتست از معرفت اصولی که بدان بر اظهار امور غریبه از حرکات و آلات قادر باشند . (نفایس الفنون ج ۲ ص ۲۰۹) .

## موضوعات علوم نظری

برهان گفته آمد، و اما کدامی این حالها، ترا نموده آید که این حالها، آن حالها اند که (۱) موجود را و هستی را نه از قبل آن بود که وی چندی بود یا اندر حرکت (۲) افتاده بود، و بجمله موضوع یکی از این دو علم دیگر شده بود بلکه از جهت هستی را بود و بس، و مثال این (۳) هر سه بیاریم.

اما جفت بودن و طاق بودن و گگرد بودن و سه سو<sup>۲</sup> بودن و دراز بودن مرهستی را نه از بهر هستی است زیرا که نخست باید که شمار بود (۴) تا جفت و طاق بود، و اندازه بود تا گرد و سه سو و دراز بود.

اما سپید شدن و سیاه شدن (۵) مرهستی را نه از قبل هستی است و نه

از قبل شمار شدن و اندازه شدن، بلکه از قبل آنست که وی جسمی شود پذیرای<sup>۳</sup> گردش و جنبش.

و اما کلی بودن و جزئی بودن و بقوت بودن و بفعل بودن (۶) و شاید

بود (۷) بودن<sup>۴</sup> و هر آینگی بودن<sup>۵</sup> و علت بودن و معلول بودن و جوهر

بودن و عرض بودن از قبل آنست که وی هستی است، از جهت هستی را

- (۱) مل : - که . (۲) مك : گردش . (۳) مك : این . (۴) مل : بوده .  
 (۵) س ، طم ، چه ، + جسم و دراز شدن و بسیار شدن بعدد . (۶) چخ : بود .  
 (۷) س : زود ؛ مج ، مك ، ۱ ، عس : - بود .

- ۱ - رك : ص ۱ ح ۳ . ۲ - مثلث . ۳ - قابل ، پذیرنده ؛  
 آن گوهرزنده است و پذیرای علوم است زو زنده و گوینده شدست این تن مردار .  
 ناصر خسرو . (لغت نامه دهخدا) .

۴ - امکان . ۵ - وجوب .

## دانشنامهٔ علائی - بخش دوم - علم الهی

نه از جهت چندی را یا جنبش پذیری<sup>۱</sup> را اند همچنان نیز یکی بودن و بسیار بودن و موافق بودن و مخالف بودن و هر چه بدین مانند. و اندر این علم باید که نگریده (۱) آید<sup>۲</sup> اندر سبب هایی که مرهمه هستی (۲) را بود نه مر ریاضی را یا طبیعی را و بس، بل (۳) آن که (۴) همه هستی را بود و شناختن آفریدگار همه چیزها و یگانگی وی و پیوند همه چیزها بوی هم (۵) اندر این علم بود و این پاره از این علم که اندر توحید نگردد و را خاص **علم الهی** خوانند و علم ربوبیت گویند، و اصلهای همه علمها اندر این علم درست شود و این علم را با آخر آموزند هر چند بحقیقت اول است، ولیکن (۶) ما جهد کنیم که با اول بیاموزانیم و لطفی بجای آوریم تا مفهوم کنیم بنیروی خدای تعالی جل جلاله.

(۳) باز نمودن حال هستی<sup>۳</sup> و افتادن<sup>۴</sup> وی بر چیزهای بسیار

و آغاز کردن بنمایش جوهر<sup>۵</sup>

هستی<sup>۳</sup> را خرد خود<sup>(۷)</sup> بشناسد بی حد و بی<sup>(۸)</sup> رسم، که او را حد نیست، که او را (۹) جنس و فصل نیست، که چیزی از وی عام تر نیست<sup>۶</sup>،

(۱) مج، مک ۲ : نگریسته . (۲) مج، مک ۱ : هر هستیها . (۳) تم : بلکه ؛ س ، طم ، چه ؛ پس . (۴) طم ؛ - که . (۵) مج، مک ۱ : هم . (۶) مج ، مک ۱ ، چخ ؛ ولیکن . (۷) طم ؛ - خود . (۸) مل ؛ - بی . (۹) طم ؛ و را .

۱- قابلیت حرکت . ۲- یعنی: دقت شود . ۳- وجود . ۴- اطلاق . ۵- رك ؛ شفا (الهیات ص ۴۰۲) . ۶- «وجود، تحدید او ممکن نیست، چه اوبدیهی التصور است و هیچ چیز اعرف از او نیست، تا تعریف وجود بآن چیز کنند» . «دره التاج بخش ۱ ج ۳ ص ۱» .

دانشنامهٔ علائی . علم برین ۱

## بدهات وجود ، جوهر و عرض

- وورا رسم نیست ، زیرا که چیزی از وی معروف تر نیست . آری باشد که نام ورا بزبانی دون زبانی بشناسند<sup>(۱)</sup> پس بتدبیری آگاهی دهند که بدان<sup>(۲)</sup> لفظ چه خواهند مثلاً اگر بتازی گفته باشند ، پیارسی تفسیر وی کنند<sup>(۳)</sup> ، یا اشارت کنند که وی آنست که همه چیزها اندر زیر وی آید<sup>(۴)</sup> ، پس هستی باولین قسمت بردو گونه است : یکی را جوهر خوانند و یکی را عرض .
- و عرض آن بود که هستی وی اندر چیزی دیگر ایستاده بود<sup>۱</sup> که آن چیز بی وی هستیش خود تمام بود و بفعل بود ، یا بخود یا بچیزی دیگر جز وی چنانکه سپیدی اندر جامه که جامه خود هست بود بنفس خویش ، یا بچیزها<sup>(۵)</sup> که بایشان هست شود و آنگاه سپیدی اندروی ایستاده بود . سپیدی را و هر چه بوی ماند عرض خوانند ، و پذیرای<sup>۲</sup> او را بدین جایگاه موضوع خوانند ، هر چند که بموضوع بجای دیگر چیزی دیگر خواهند .

- پس هر چه عرض نبود و هستی وی اندر موضوع نبود بلکه وی حقیقتی بود و ماهیتی<sup>۳</sup> که هستی آن حقیقت و ماهیت اندر چیزی که پذیرای بود بدان صفت که گفته آمد<sup>۴</sup> نبود ، وی جوهر بود خواهی بنفس خویش پذیرای

(۱) مك ۱ ، مك ۲ ، مل : بشناسد . (۲) مك ۱ ، مج : بآن . (۳) مك ۱ : بکنند .  
(۴) مك ۱ ، مج : است . (۵) مل : بچیزهائی .

۱ - ایستاده بودن ، قائم بودن . ۲ - قابل (رك : ص ۷ ح ۳) ، محل . ۳ - ماهیت ، چستی (رك : برهان قاطع چاپ نگارنده) . «ماهیت چیزی آنستکه چون ازو باهو سؤال کنند در جواب گفته شود همچو حیوان ناطق در جواب ما هو از انسان ، و آن تمام حقیقت آن چیز بود و لیکن آن مسئول عنه اگر کلی باشد همچو انسان ، حقیقت او را ماهیت خوانند و اگر جزوی بود همچو زید هویت» (نفایس الفنون ج ۲ ص ۳۵) .  
۴ - مراد از آن صفت که گفته آمده است آنست که پذیرا بی نیاز از پذیرفته باشد و بخود یا بچیز دیگر جز پذیرفته تمام و بالفعل شود . (خ) .

دانشنامهٔ علائی .. بخش دوم - علم الهی

بود<sup>۱</sup> و خواهی اندر پذیرایی (۱) بود<sup>۲</sup> که بدین (۲) صفت نبود بلکه ورا (۳) بفعل بودن حاجت بود بآن چیز که بپذیرد چنانکه سپستر درست کنیم هستی ورا (۳)، و خواهی نه پذیرا (۴) و نه اندر پذیرا چنانکه سپستر درست کنیم هستی ورا (۳)، آن چیز را جوهر خوانند، و هر پذیرایی که بپذیرفته‌ای<sup>۳</sup> (۵) هستی وی تمام شود و بفعل شود آن پذیرا را (۶) هیولی<sup>۴</sup> خوانند و مادت خوانند و بیارسی مایه خوانند و آن پذیرفته را که اندر وی بود صورت خوانند.

و صورت جوهر بود نه عرض ازین قبل را<sup>۵</sup> و چرا جوهر نبود (۷) و جوهری (۸) که بفعل قائم است بذات خویش اندر محسوسات، بوی جوهر همی شود و وی اصل آن جوهر است و چون عرض بود که عرض سپس جوهر بود نه اصل جوهر، پس جوهر چهار گونه است:

یک هیولی، چون اصل که طبیعت آتش (۹) اندر وی است.  
و دیگر صورت چون حقیقت آتشی (۱۰) و طبیعت آتشی (۱۰).  
و سوم (۱۱) مرگب چون تن آتشی (۱۲).

(۱) مك ۱ : پذیرایی ؛ طم : پذیرای . (۲) مك ۱ : باین . (۳) مك ۱ : ورا .  
(۴) طم : پذیرا . (۵) س ، طم ، چه : بپذیرفتن . (۶) مك ۱ : پذیرای را .  
(۷) تم : ازین قبل را جز از جوهر نبود . (۸) طم : + را . (۹) مك ۱ : آتشی .  
(۱۰) طم : آتش . (۱۱) مچ : سوم ؛ مك ۱ ، تم : سیوم . (۱۲) مك ۱ : آتش .

۱ - مانند هیولی (خ) . ۲ - مانند صورت که در پذیراست ، ولی پذیرا مستغنی از پذیرفته نیست بلکه پذیرا بپذیرفته تمام و بالفعل شود . (خ) . ۳ - پذیرفته ، حال .  
۴ - از یونانی ἡλί (بمعنی ماده) (تفسیر الالفاظ الدخیلة فی اللغة العربیة : هیولی) .  
۵ - مقصود ازین قبل آنست که محل صورت مستغنی از صورت نیست ولی محل عرض مستغنی از عرض است ، پس صورت جوهر است نه عرض (خ) .

حال جسم

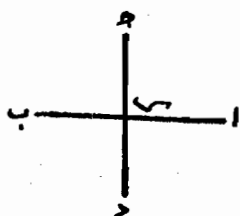
و چهارم چون جان جدا ایستاده از تن و چون عقل .

(۴) پیدا کردن حال آن گوهر<sup>(۱)</sup> که تن است

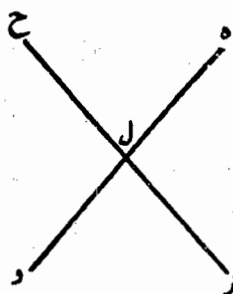
که بتازیش جسم خوانند<sup>۱</sup>

جوهر مرگب از مادّت و صورت جسم است و جسم آن جوهر است

که توانی<sup>(۲)</sup> اندر وی درازی نمودن و درازی دیگر چون رسم چلیپا بر  
آن درازی پیشین ایستاده که میل ندارد هیچگونه بیك سو<sup>(۳)</sup> چون  
این چلیپا:



نه چون این چلیپا:



(۱) مك ا : جوهر . (۲) مك ا : بتوانی . (۳) مك ا : يك سو .

۱ - رك : شفا (الهیات) ص ۴۰۰ .

## دانشنامهٔ علائی - بخش دوم - علم الهی

زیرا که در چلیپای نخستین خط « ج د » راست ایستاده است بر خط  
 « اب » نه سوی « ا » میل دارد (۱) نه سوی « ب » لاجرم زاویهٔ « اک  
 ج » (۲) چند زاویهٔ « ب ک ج » بود، و هر دو را قائمه خوانند<sup>۲</sup>. و اما  
 چلیپای دوم (۳) خط « و ه » (۴) بر خط « ز ح » (۵) راست نایستادست  
 که (۶) آن سر که نشان وی « ه » است میل دارد بسوی « ز » (۷)، و  
 آن سر که نشان وی « و » (۸) است میل دارد سوی (۹) « ح ». پس زاویهٔ  
 « ز ل ه » (۱۰) خرد تر بود از زاویهٔ « ح ل ه » و زاویهٔ « ز ل ه » (۱۱)  
 از قائمه خرد تر است، و را حادّه خوانند و زاویهٔ « ح ل ه » (۱۲) مهتر (۱۳)  
 است از قائمه، و را منفرجه خوانند<sup>۳</sup>.

۱۰ پس جسم آن بود که چون درازیی بنهی<sup>۴</sup> (۱۴) اندر وی درازیی (۱۵)  
 دیگر یابی برنده<sup>۵</sup> و را بقائمه و درازی سوّم (۱۶) بر آن هر دو درازی بر

(۱) طم : + و . (۲) طم : ج د . (۳) طم : چلیپای دویم ؛ مج : دوّم را ؛  
 تم ، دوم را . (۴) طم : ه غند . (۵) طم : رح ؛ چخ : ره . (۶) طم : + از .  
 (۷) طم ، چخ : ر . (۸) طم : غند . (۹) طم : بسوی . (۱۰) طم : ال ج ؛  
 چخ : ر ل ه . (۱۱) طم : ز ل ح . (۱۲) طم : ج ل ه . (۱۳) طم : پهن تر .  
 (۱۴) عس : بینی . (۱۵) چخ : درازی . (۱۶) مج : سوّم ، مک ا ، تم : سوّم .

۱ - بصیغهٔ اضافت = چند = مساوی = معادل ؛ « و عمرو معتضد را اشتری دو کوهان  
 فرستاده چند ماده یبلی بزرگه » (تاریخ سیستان ص ۱۷ و ص ۲۶۱) . ۲ - رك : نفایس  
 الفنون ج ۲ ص ۴۰ . ۳ - رك : نفایس الفنون ج ۲ ص ۴۰ . ۴ - نهادن ؛  
 فرض کردن ، توهم کردن (خ) . ۵ - قاطع ، قطع کننده .

## بحث در باب جسم

قائم ایستاده هم بر آن نقطه که برینش<sup>۱</sup> پیشین بروی بود، و هر چه اندر وی این سه درازی بشاید نهادن برین صفت و جوهر بود آن را جسم خوانند و این اندر عالم موجود است، و آن درازی نخستین را خاصه درازا<sup>(۱)</sup> خوانند و طول خوانند، و دوّم را<sup>(۲)</sup> پهنا و عرض خوانند، و سوّم را<sup>(۳)</sup> ستبرای و عمق خوانند، و این هر سه اندر جسم بشایست<sup>(۴)</sup> بود گاهی، و گاهی خود بفعل بود، و جسم بدان جسم است که شاید که این سه چیز اندروی بنمایی باشارت و مفروض کنی<sup>(۵)</sup> چنانکه وی یکی بود و هیچ پاره ندارد، تو و را پاره کنی بوهم.

و اما آنکه اندر جسم بود از درازنا<sup>۲</sup> <sup>(۶)</sup> و پهنا و ستبرای<sup>(۷)</sup> آنچه معروف است آن نه صورت جسم است ولیکن<sup>(۸)</sup> عرض<sup>(۹)</sup> بود اندروی<sup>(۱۰)</sup> چنانکه ۱۰ پاره‌ای موم را بگیری و او را درازنا بدستی<sup>(۱۱)</sup> کنی و پهنا دوانگشت و ستبرای انگشتی، آنگاه و را<sup>(۱۲)</sup> دیگر گونه کنی تا درازناش<sup>(۱۳)</sup> دیگر بود و پهناش دیگر و ستبراش دیگر، صورت جسمی اش بجای بود و این هر سه اندازه بجای نبود. پس این سه اندازه عرض بوند اندروی و صورت چیزی دیگر بود و جسمها اندر صورت مختلف نبوند که همه جسمها بدانکه ۱۵

(۱) مك ۱: درازی . (۲) مج : دوّم را ؛ تم : دویم را . (۳) مج : سوّم را ؛ مك ۱ ، تم : سیوم را . (۴) مك ۱ : نشایست . (۵) مك ۱ : شود . (۶) چخ : درازا . (۷) مك ۱ : + چنانکه . (۸) مج ، مك ۱ : ولکن . (۹) مج ، مك ۱ ، عس : عرضی . (۱۰) مك ۱ : اندر جسم . (۱۱) عس : دستی . (۱۲) مك ۱ : او را . (۱۳) چخ : درازاش .

۱ - قطع . ۲ - از ؛ دراز+نا (مزید مؤخر) [ همچون ستبرنا ، ژرف نا ، تیزنا ]  
بمعنی طول ، درازی .



## دانشنامه علائی - بخش دوم - علم الهی

اندر ایشان این سه چیز بدین صفت شاید بفرض کردن يك گونه اند و یکی اند بی اختلاف ، و اما اندر اندازه درازنا و پهنا و ستبرای مختلفانند . پس پدید (۱) آمد فرق میان صورت جسمی که جسم بوی جسم است و میان این اندازه ها ، آری برخی جسمها را اندازه همیشه بر یکسان بود و برنگردد هر چند که صورت وی نبود بل عرضی لازم بود چنانکه سیاهی لازم مر حبشی را و چنان چون (۲) شکلی لازم و لازم بودن دلیل آن نبود که بیرونین و عرضی (۳) نبود و این بجای دیگر پدید (۱) آمدست . پس میان مردمان خلاف است که اصل جسم چیست . اندر آنجا سه مذهب است :

۱۰ یکی مذهب آنست که جسم از اصلی (۴) مر گب نیست . و دیگر مذهب آنست که جسم مر گب است از پاره‌ها که ایشان را اندر نفس خویش پذیرایی پاره بودن نیست نه بوهم و نه بفعل . و سوم (۵) مذهب آنست که جسم از مادّتی و صورتی جسمی امر کب است . باید بدانیم که از این هر سه ، حق کدامست ؟<sup>۲</sup>

(۱) مك ۱ ، مك ۲ ، مل : بدید . (۲) عس : - چون . (۳) س ، تم ، چه : عرض . (۴) چخ : اصل . رك : ح ۲ . (۵) مج : سوّم ، مك ۱ ، تم : سیوم .

۱ - تقیید صورت به « جسمی » برای خارج کردن « صورت نوعیه » است . (خ) .  
 ۲ - « قد اختلف الناس فی امر هذه الاجسام المحسوسة فمنهم من جعل لها تألیفاً من اجزاء لا یتجزى البتة ، و جعل کل جسم متضمناً لعدة منها متناهية و منهم جعل الجسم مؤلفاً من اجزاء لانهاية له ، و منهم من جعل کل جسم اما متناهی الاجزاء الموجودة فيه بالفعل و اما غیر ذی اجزاء اصلاً بالفعل ، و اذا کان ذالاجزاء بالفعل کان کل واحد من اجزائه المنفردة جسماً ایضاً لاجزه له بالفعل ، فالجسم عنده اما ان یکون جسماً لاجزاه بالفعل و اما ان یکون مؤلفاً من اجسام لاجزه لها ... » (شفا . طبیعیات ص ۸۶) .